

تبیین کارکرد مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری روابط در منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین

مصطفی مظاهری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
کیومرث یزدان‌پناه درو* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
حسن کامران - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

چکیده

وقایع سال‌های اخیر در بیشتر مناطق جهان حاکی از آن است که عوامل جغرافیایی و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی از بستریهای مهم و اثرگذار در شکل‌گیری کیفیت روابط بین کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع ملی است. از جمله این مناطق، منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین است که چشم‌انداز سیاسی - امنیتی آن دارای عوامل متعددی است که برخی از آن‌ها در شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منطقه نهفته است. با توجه به چنین اهمیتی، نگارندگان در مقاله حاضر با ماهیت کاربردی و استفاده از روش تحلیلی - تبیینی درصدد برآمده‌اند کارکرد عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بین واحدهای سیاسی امریکای لاتین در مقیاس منطقه‌ای را ارزیابی کنند. براساس نتایج این بررسی، روابط ژئوپلیتیک در کشورهای امریکای لاتین عمدتاً تحت تأثیر مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مختلفی چون عامل مجاورت، تعداد همسایگان، ژئوپلیتیک منابع، ژئوپلیتیک گردشگری، و اتحادیه‌های منطقه‌ای قرار دارد و تحت تأثیر همین عناصر روابط مسالمت‌آمیز در سطح منطقه‌ای حاکم بوده و رویکرد غالب روابط ژئوپلیتیک منطقه بر مبنای الگوی تعامل شکل گرفته است. دورنمای آینده حاکی از آن است که کشورهای امریکای لاتین و خصوصاً برزیل، به‌عنوان رهبر منطقه، قادر به تنظیم تعاملات پایدار و مدیریت راهبردی است و همچنین، با توجه به تجانس تاریخی - فرهنگی و آرام بودن فضای این منطقه، زمینه‌های لازم برای ایجاد هویت منطقه‌ای فراگیر و مشترک فراهم است که تحت این شرایط منطقه مذکور بر وضعیت کنونی خود، که در حاشیه ژئوپلیتیکی است، غلبه کرده و به مرحله یکپارچگی خواهد رسید و الگوی روابط ژئوپلیتیک آن مبتنی بر رابطه تداوم شکل خواهد گرفت و آن هم باعث افزایش وزن ژئوپلیتیکی منطقه و هماوایی بیشتر آن با تحولات نظام ژئوپلیتیک بی‌امونی و جهانی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: امریکای لاتین، روابط ژئوپلیتیک، عناصر ژئوپلیتیکی، عوامل جغرافیایی، منطقه ژئوپلیتیک.

مقدمه

مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی به‌علت پایداری بیشتر آن‌ها در تأمین منافع ملی از جمله سرچشمه‌های اصلی کشمکش و ستیز بوده و در نقطه مقابل آن در شکل‌گیری همکاری‌ها و تعامل سازنده میان کشورها و مناطق مختلف، از جمله امریکای لاتین، اثرگذارند. امریکای لاتین در موقعیت فعلی به‌عنوان یک زیرسیستم مهم و پُراهمیت در مجموعه نظام جهانی مطرح است. کشورهای این منطقه با درک این موضوع و برای رسیدن به موقعیتی ممتاز و اثرگذار در صحنه جهانی و مقابله با قدرت‌های هژمون با ایجاد اتحادیه‌ها و سازمان منطقه‌ای به‌دنبال ایجاد سازوکارهایی برای رسیدن به این جایگاه‌اند. اگرچه نهادسازی‌های کنونی به آن درجه از استحکام نرسیده‌اند که بتوانند منافع مشترک کشورهای منطقه امریکای لاتین را در نظام ژئوپلیتیک جهانی ارتقا بخشند، این اقدامات حرکت‌های مثبتی در جهت کسب جایگاه تعیین‌کننده و تأثیرگذار در منطقه و نیز حرکت به‌سوی نظام مستقل تصمیم‌گیری و در حوزه‌های وسیع‌تر چشم‌اندازی امیدوارکننده در کسب جایگاه مناسب برای امریکای لاتین در نظام جهانی است. آنچه مهم است اینکه عناصر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این منطقه نقش عمده‌ای در شکل‌گیری نوع روابط در سطح منطقه، ارتقای وزن ژئوپلیتیکی، توسعه‌یافتگی، ایجاد هم‌گرایی، تقویت صلح-امنیت منطقه‌ای، و همچنین تقلیل تنش و منازعه بین کشورهای منطقه یا برعکس ایجاد شکاف منطقه‌ای و زمینه‌سازی برای دخالت‌های سایر بازیگران فراهم می‌کند. چون پس از جنگ سرد و با استقلال پویش‌های منطقه‌ای نسبت به قبل، سطح منطقه‌ای برای قدرت‌ها و کشورها آشکارا به یک سطح تحلیل مجزا، مهم، و قابل تأمل در کنار سطوح ملی و جهانی تبدیل شده است. با توجه به چنین ضرورتی، سؤال اصلی تحقیق این است که مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری روابط در امریکای لاتین کدام‌اند؟ همچنین، الگوی روابط ژئوپلیتیک امریکای لاتین در سطح منطقه‌ای بر چه مبنایی استوار است؟ فرضیه پژوهش نیز بر این مبنا قرار گرفته است که به‌نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی، عامل همسایگان، ژئوپلیتیک هویت، ژئوپلیتیک گردشگری و اتحادیه‌های منطقه‌ای از جمله عناصر مهم در شکل‌گیری روابط منطقه امریکای لاتین‌اند. همچنین، الگوی غالب روابط ژئوپلیتیک در این منطقه متأثر از پیشینه تاریخی و شرایط استعماری منطقه و مقابله با قدرت هژمون و نیز اثرگذاری مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای عمدتاً تحت تأثیر روابط برزیل و آرژانتین به‌عنوان دو قدرت مهم منطقه بر مبنای الگوی تعامل شکل گرفته است.

مبانی نظری

روابط ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک روابطی است که بین کشورها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت، و جغرافیا شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۳-۳۶۲). روابط قدرت به شکل‌دهی مرز فضاها، مشارکتی، آنچه در درون آن‌ها امکان‌پذیر است، و هویت‌گفتمان‌ها کمک می‌کند (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۲۱۴). آنچه در روابط ژئوپلیتیک تأثیرگذار و مشخص‌کننده است ماهیت، کیفیت، و چگونگی دستیابی به منافع است که همواره نقطه هدف همه قدرت‌هاست و همه گونه روابط بر مبنای آن تنظیم می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۸: ۴۰). در دوره‌های خاص، روابط ژئوپلیتیکی گوناگونی در سطح منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، و جهانی ایجاد شده است. روابط ژئوپلیتیک بین بازیگران به‌شکل سلطه و استیلا، تعامل و تعادل، نفوذ، رقابت، تقابل، و تداوم شکل می‌گیرد.

رابطه تعاملی

رابطه‌ای مبتنی بر برابری قدرت، منافع ملی مشترک بین حداقل دو واحد سیاسی که لزوماً از برابری نسبی قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیک برخوردار نیستند (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۰: ۱۱۹). عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی رابطه تعاملی، ارتباط، و

مناسبات بین کشورها و قدرت‌ها را به سمت همکاری و رابطهٔ مسالمت‌آمیز هدایت می‌کند. نتیجه آنکه بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط بین‌بازیگران هماوایی زیادی پیدا کرده و آن‌ها را به سمت تعامل و هم‌گرایی بیشتر سوق می‌دهد.

رابطهٔ تداوم و ثبات ژئوپلیتیکی

همچنین، از دیدگاه نویسندگان مقاله، الگویی از روابط ژئوپلیتیک را می‌توان متصور بود که عمدتاً در سطح منطقه‌ای ظرفیت شکل‌گیری دارد. منطقه‌ای که دورهٔ گذار را سپری کرده و وارد مقطعی شده است که قادر به مدیریت بهینهٔ روابط منطقه‌ای است. درحقیقت، منطقه در این حالت از موقعیت بحرانی و انزوا خارج شده و براساس غلبهٔ مؤلفه‌های هم‌گرا در حال حرکت و تکامل است که در حالت شدید این هم‌گرایی به کمال ژئوپلیتیکی و خودآگاهی منطقه‌ای منجر خواهد شد و در این شرایط کشورهای منطقه قدم در یک‌پارچگی و تثبیت روابط خواهند گذاشت و مدل روابط ژئوپلیتیکی آن‌ها از تداوم و ثبات برخوردار خواهد بود.

مراحل ایجاد رابطهٔ تداوم و ثبات ژئوپلیتیک در مقیاس منطقه‌ای

- زیرساخت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ممتاز؛ تجانس ساختاری؛ ویژگی‌های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدنی، فرهنگی، زبانی، و نژادی و ...؛

- فقدان گسیختگی فضایی و جغرافیایی؛

- پیوستگی فرهنگی و اجتماعی؛

- گدھا و علایق ژئوپلیتیکی مشترک؛

- کارکردهای مشترک: منابع انرژی (نفت) منابع معدنی و ... (ایجاد وحدت اقتصادی)؛

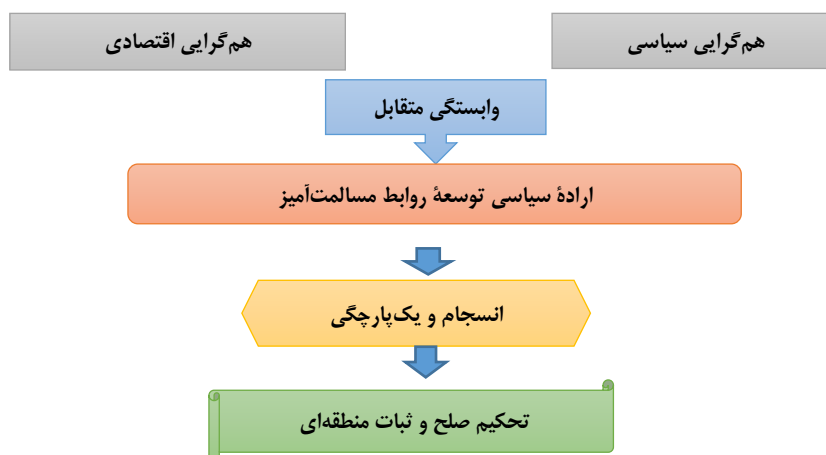
- نیازهای متقابل که نوعی رهیافت هم‌تکمیلی در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، و ... ایجاد کند (وابستگی متقابل ژئوپلیتیکی)؛

- موقعیت ژئوپلیتیکی قدرت برتر و نقش کلیدی رهبر منطقه در ایجاد هم‌گرایی؛

- ایجاد حالت موازنهٔ قوی بین کشورهای منطقه؛

- بلوغ و خودآگاهی منطقه‌ای.

دو عنصر مهم در ایجاد هم‌گرایی و برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای در امریکای لاتین عبارت‌اند از: وابستگی متقابل اقتصادی و هم‌گرایی سیاسی؛ که نقش اصلی را در ترویج منافع متقابل و نیز کمک به صلح و ثبات منطقه دارند.



نمودار ۱. وابستگی متقابل کشورها و ثبات منطقه‌ای
(تدوین و تنظیم، نویسندگان: ۱۳۹۸)

شایان ذکر است منظور از رابطه تداومی همیشگی بودن روابط بین کشورهای منطقه نیست، بلکه پایداری بیشتر آن‌ها در قیاس با سایر الگوهای روابط ژئوپلیتیکی است. نایل آمدن به این شرایط و بهره‌برداری از مواضع استراتژیک یکسان مستلزم بلوغ و خودآگاهی منطقه‌ای است. در این امر مهم نقش بازیگران سیاسی منطقه، دستگاه دیپلماسی، و جایگاه نخبگان - روشنفکران حائز اهمیت است.

ساختار روابط ژئوپلیتیک منطقه‌ای

ساختار روابط ژئوپلیتیک منطقه‌ای بین اجزا و دولت‌های نظام تابعی از جایگاه و منزلت ژئوپلیتیک آن‌ها در منطقه و سطح قدرت ملی آن‌ها نسبت به یکدیگر است (حافظنیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۱۰۴). یک چهره عمومی از قدرت که در آن فرض می‌شود رقابت بر سر منافع است؛ چهره دوم قدرت ورود برخی از منافع و بازیگران است؛ چهره سوم قدرت از طریق درونی‌سازی یا از طریق تسلط بر ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، و اشکال رفتاری و آنچه ممکن است اشکال نامرئی قدرت نامیده شود شکل می‌گیرد (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۲۱۷). مناطق عرصه‌هایی هستند که در آن‌ها گاه رقابت انجام می‌گیرد و گاه منافع ملی کشورها به هم می‌گریزد و همین کنترل آن‌ها را بر نیروهای جهانی افزایش می‌دهد (هتته و همکاران، ۱۳۹۱: ب: ۶۸). مناطق را می‌توان به صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی تصور کرد که از درجه‌ای نظم و ترتیب و انسجام برخوردار است؛ به گونه‌ای که تغییر در یک منطقه بر سایر نقاط نیز تأثیر می‌گذارد (لیک و مورگان، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۹). نظام منطقه‌ای در درجه اول محصول چگونگی تعامل قدرت‌های بزرگ یک منطقه با یکدیگر است. رفتاری که قدرت‌های یک منطقه با یکدیگر دارند متفاوت از رفتاری است که با دولت‌های ضعیف‌تر دارند (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). نوع نظام سیاسی، اهداف و تاکتیک قدرت‌های موجود، نفوذ و دسترسی قدرت‌ها، نحوه تقسیم منابع منطقه‌ای از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک منطقه‌ای است (ربیعی، ۱۳۸۸: ۵۳). سوئل کوهن منطقه ژئوپلیتیک را دومین سطح از ساختار ژئوپلیتیک می‌داند و بر آن است که بیشتر مناطق زیر بخش‌هایی از قلمروهای ژئواستراتژیک‌اند (کوهن، ۲۰۰۹: ۴۰). ضرورت‌های مشترک در سطح منطقه مشخص جغرافیایی به پیدایش فرایند هم‌گرایی و یک‌پارچگی کمک می‌کند و کشورها از بخشی از اقتدار و حاکمیت خود چشم می‌پوشند و آن را به مدیریت سطح منطقه‌ای تفویض می‌کنند (گلدشتاین، ۱۹۹۹: ۴۲۷).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با ماهیت کاربردی است و از نوع روش با اصالت تحلیلی - تبیینی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت منابع کتابخانه‌ای (کتاب، رساله‌ها، مقالات) است و نیز برخی اطلاعات از اینترنت گردآوری شده است و به شیوه کیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است. در پایان هم مبتنی بر استنتاج عقلانی به نتیجه‌گیری و ارائه مدل روابط تعاملی و الگوی تداومی در منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین اقدام شده است.

منطقه مورد مطالعه

امریکای لاتین شامل کشورهایی در امریکای شمالی، مرکزی، کارائیب، امریکای جنوبی است؛ مناطقی که زبان رایج آن‌ها اسپانیولی و پرتغالی است در واقع، کشورهای امریکای جنوبی، امریکای مرکزی، حوزه دریای کارائیب، و مکزیک در امریکای شمالی از منظر تاریخی و فرهنگی به منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین تعلق دارند. کشورهای اصلی و مستقل این منطقه که تعداد آن‌ها ۲۳ کشور است که شامل دوازده کشور در امریکای جنوبی، هفت کشور مستقل در امریکای مرکزی، یک کشور در امریکای شمالی، و چهار کشور مستقل در حوزه دریای کارائیب‌اند. این کشورها عبارت‌اند از:

- کشورهای امریکای جنوبی: آرژانتین، اکوادور، اروگوئه، برزیل، بولیوی، پاراگوئه، پرو، سورینام، شیلی، کلمبیا، گویان، ونزوئلا؛
 - امریکای مرکزی: السالوادور، پاناما، کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه؛
 - امریکای شمالی: مکزیک؛
 - کشورهای حوزه دریای کارائیب: کوبا، دومینیکن، جامائیکا، هائیتی.
 همچنین، در منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین برخی کشورها و جزایر کوچک و غیرمستقل وجود دارند که عبارت‌اند از:
 - کشور گویان فرانسه در امریکای جنوبی؛
 - کشور بلیز^۱ در امریکای مرکزی؛
 - جزایر فالکلند^۲ (مالویناس) در محدوده امریکای جنوبی (در جنوب اقیانوس اطلس جنوبی)؛
 - کشورها و جزایر وابسته حوزه دریای کارائیب^۳: ترینیداد و توباگو، باربادوس، پورتوریکو، دومینیکا، باهاما، گرانادا، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادین، سنت کیتس ونویس، سنت یوستیشس، مارتینیک، مونتسرات، سن بارتلمی و سنت مارتین فرانسه، جزایر تورکس و کایکوس، جزایر کیمن، آنتیگوا و باربودا، گوادلوپ، آنتیل، جزایر ویرجین، جزیره اروبا همراه جزایر کوراسائو، بونیر، و سابا متعلق به کشور هلند.
 امریکای لاتین در چند سده اخیر، به‌ویژه پس از دوره استقلال، از دکتین مونرو تا بحران موشکی کوبا، به لحاظ دارا بودن موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همواره در شرایط و ساختارهای مختلف نظام بین‌الملل، موازنه قوا، نظام دوقطبی و نظام تک‌قطبی مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهان قرار گرفته است (یوسفی کوپایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۶). هنوز فضاها و مناطق جغرافیایی در ایجاد قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نقش اساسی دارند. در واقع، این صحنه ژئوپلیتیک است که به یک بازیگر و قدرت سیاسی فرمول و نوع استراتژی را توصیه می‌کند (کالینز، ۱۹۹۸: ۲۹۱). این منطقه با داشتن ذخایر وسیعی از منابع طبیعی می‌تواند به‌عنوان یک قدرت جهانی اقتصادی در ردیف کشورهای اروپایی سهمی بزرگ از بازارهای جهانی را داشته باشد (پورپشنگ، ۱۳۸۷: ۴۲).
 برخورداری از منابع غنی معدنی و طبیعی در کنار موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه امریکای لاتین را به یکی از مناطق مهم و راهبردی در عرصه بین‌الملل تبدیل کرده است (دهشیری و سیفی، ۱۳۹۱: ۲۳۴). از دهه ۱۹۳۰ این منطقه توسعه اقتصادی را آغاز کرد و پس از جنگ جهانی دوم توسعه صنایع داخلی برای تولید کالاهای وارداتی آغاز شد و زیربنای اقتصادی این منطقه را دگرگون کرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۰۵-۲۰۴). به‌طور کلی، امریکای لاتین در تنوع صادرات پیشرفت کرده است. متنوع‌ترین کشورها برزیل، مکزیک و کمترین تنوع در منطقه آند است (دولین و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۴).
 برزیل کلید یک‌پارچگی قاره‌ای است و آشکارا قدرت مسلط در امریکای جنوبی و یکی از قدرت‌های منطقه‌ای مهم در جهان است (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۳۹). امریکای لاتین از مناطق استراتژیک و مهم جهان است. این منطقه با توجه به پتانسیل‌های بسیار بالای اقتصادی، استراتژیک، ذخایر زیرزمینی، اهمیت سیاسی و امنیتی دارای موقعیت ویژه‌ای است و

۱. البته، کشور بلیز به استقلال دسته یافته، ولی هنوز نظام پارلمانی این کشور تابع بریتانیا است.

۲. جزایر فالکلند در اختیار انگلستان است، ولی آرژانتین ادعای مالکیت بر آن دارد، لذا از منظر آرژانتینی‌ها نام واقعی این جزایر مالویناس است.

۳. شایان ذکر است برخی از این کشورها وسعت و جمعیت زیادی ندارند، مانند کشور باربادوس. بنابراین، نقش آفرینی خاصی در تحولات ژئوپلیتیک منطقه امریکای لاتین ندارند، بلکه بیشتر از جنبه‌های گردشگری و طبیعتگردی حائز اهمیت‌اند. همچنین، بیشتر این کشورها و جزایر واحدهای سیاسی مستقلی نیستند و در اختیار قدرت‌های بزرگ‌اند، مانند پورتوریکو که متعلق به کشور امریکاست یا جزایر کیمن، ویرجین، و ... در اختیار بریتانیا است. بنابراین، هویت جداگانه‌ای از منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین دارند، ولی برای اینکه صرفاً از منظر مکانی و جغرافیایی در منطقه امریکای لاتین قرار دارند به آن‌ها اشاره شد.

شایان توجه است این ساختار نامتوازن و دینامیک است و از دگرگونی و پویایی برخوردار است و کشورهای منطقه با اتکای به پیشرفت و توسعه خودشان می‌توانند موقعیت فعلی خود را ارتقا بخشند و در سطوح بالاتری قرار بگیرند.

عوامل جغرافیایی و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک

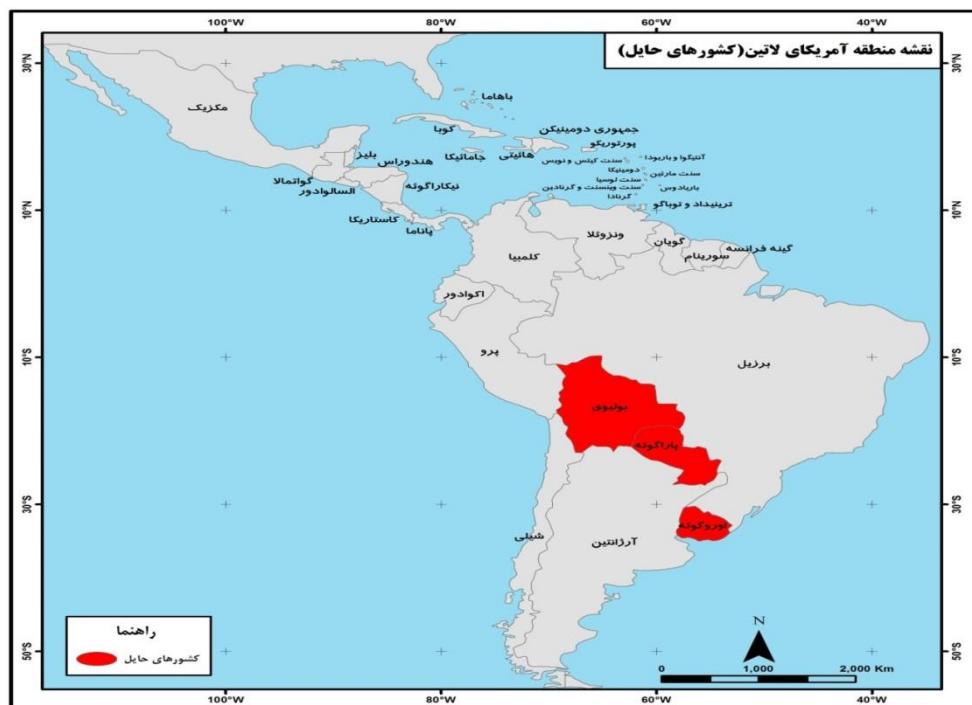
نوع روابط کشورها و قدرت‌ها با یکدیگر تا میزان زیادی براساس شرایط جغرافیایی و واقعیت‌های ژئوپلیتیک استوار است. شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیک در منطقه آمریکای لاتین در مقیاس منطقه‌ای نیز متأثر از یک سری عناصر جغرافیایی و متغیرهای ژئوپلیتیکی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

عوامل جغرافیایی

جغرافیا به هویت و تاریخ حکومت‌های ملت پایه تجلی خاصی بخشیده و به توسعه سیاسی و اقتصادی آن‌ها کمک کرده یا مانع پیشرفت آن‌ها شده و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آن حکومت‌ها ایفا کرده است (گریفیتس و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۲۰). اساس و بنیان همه استراتژی‌ها بر مفاهیم و عوامل جغرافیایی قرار دارد (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). مؤلفه‌های جغرافیایی مهم و مؤثر در شکل‌گیری روابط عبارت‌اند از: الف) موقعیت جغرافیایی و راهبردی؛ ب) عامل مجاورت؛ ج) تعداد همسایگان.

موقعیت جغرافیایی و راهبردی

یکی از موقعیت‌های جغرافیایی قرارگرفتن در موقعیت حایل است. از مهم‌ترین کارکردهای فضاهای حایل حفظ منافع قدرت‌های بزرگ در عرصه جهانی و منطقه‌ای است (احمدی نوحدانی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). کشورهای اروگوئه، پاراگوئه، و بولیوی در موقعیت حایل بین قدرت‌های بزرگ منطقه، برزیل و آرژانتین قرار دارند. آن‌ها به‌عنوان «کشورهای حایل» بین همسایگان قدرتمندتر خود نقش مهمی ایفا کرده‌اند. حضور آن‌ها می‌تواند از بروز بحران مستقیم و درگیری بین دولت‌های قدرتمند جلوگیری کند (ویپل، ۲۰۱۹: ۳۶۰).

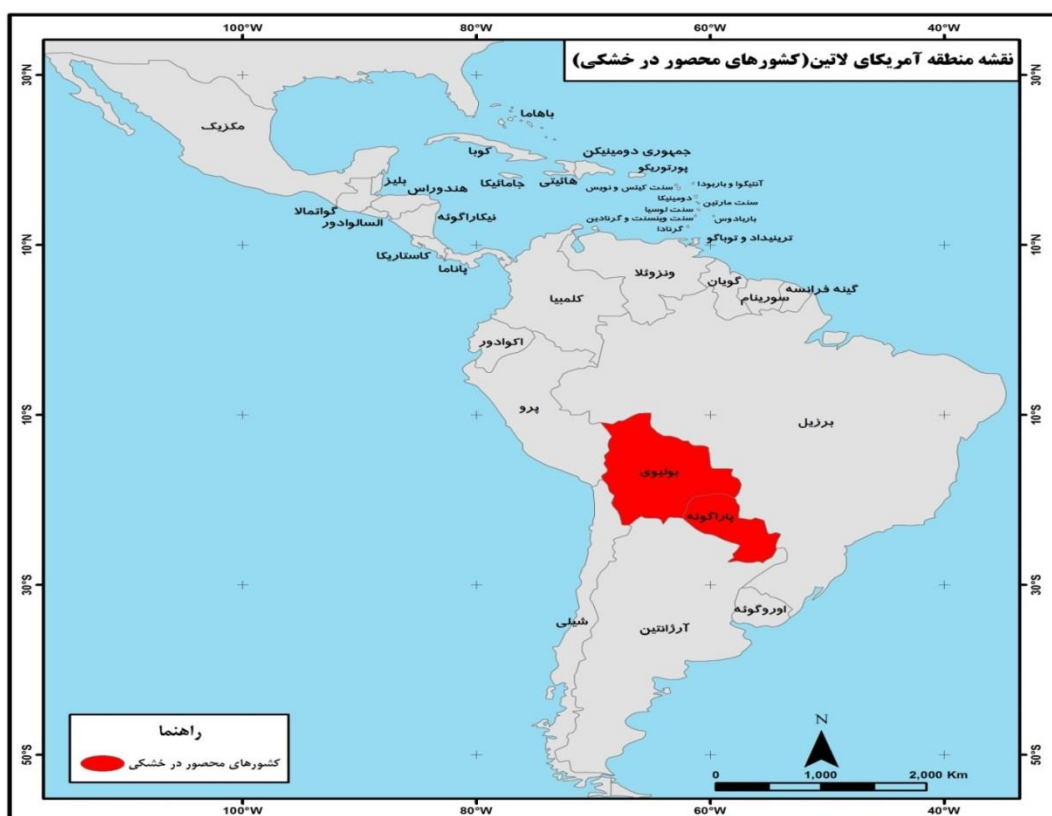


نقشه ۲. کشورهای حایل در منطقه ژئوپلیتیک آمریکای لاتین

(ترسیم و تدوین، نویسندگان: ۱۳۹۸)

موقعیت حائل در شرایط ضعف قدرت رقابت قدرت‌های پیرامونی و سلب استقلال سیاسی کشور را همراه دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۸). نقش کشور یا مناطق میان‌گیر در رقابت قدرت‌ها برای سلطه بر جهان یا مناطقی از جهان انکارناپذیر است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۷۱). سرانجام، شرط محاصره سرزمین فقط در پاراگوئه و بولیوی وجود دارد که عملکرد لجستیکی ضعیف آن به‌وضوح با توسعه اقتصادی کم همراه است (باربارو، ۲۰۱۰: ۶۰).

بولیوی و پاراگوئه، علاوه بر موقعیت حایل، کشورهای محصور در خشکی نیز هستند و منبع خاصی از تنش‌های ژئوپلیتیکی‌اند، زیرا بین کشورهای قدرتمند برزیل، آرژانتین، و شیلی قرار دارند (ویپل، ۲۰۱۹: ۳۶۰). پاراگوئه و بولیوی، که محصور در خشکی‌اند، به‌ناچار این شرایط جغرافیایی در شکل‌گیری روابط این کشورها با قدرت‌های منطقه‌ای اثرگذار است و آن‌ها را به پذیرش مسائلی وادار خواهد کرد که برخلاف خواسته آن‌هاست.



نقشه ۳. کشورهای محصور در خشکی در منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین (ترسیم و تدوین، نویسندگان: ۱۳۹۸)

مجاورت

شرایط ژئوپلیتیک در امریکای لاتین مبتنی بر تاریخ سیاسی دولت‌ها و روابط بین‌المللی آن‌ها بوده است. ظهور دولت‌های مستقل از امپراتوری‌های اسپانیا و پرتغال میراث جدی اختلافات و ادعاهای مرزی را به‌جای گذاشت (ویپل، ۲۰۱۹: ۳۶۰). امنیت دولت-کشورها از نظر تهدیدهای پیرامونی، از جمله تابعی از تعداد دولت‌های همجوار است (کریمی‌پور و کامران، ۱۳۸۰: ۱۸۱). بدون تردید، این نگرانی در خیلی از مسائل وجود دارد، از بحث صادرات و واردات کالا تا امنیت منطقه‌ای، بحران‌های زیست‌محیطی و ... لذا مؤلفه مجاورت خواسته یا ناخواسته در ایجاد ارتباط و شکل‌گیری الگوهای مختلف روابط بین کشورهای همسایه اثرگذار است و کشوری می‌تواند از این روابط به مطلوب بهره‌برد که شناخت واقعی و صحیحی از اوضاع پیرامونی خود داشته باشد. بنابراین، پیشینه تاریخی، اهمیت ژئوپلیتیک، و مجاورت جغرافیایی

کشورهای امریکای لاتین و علی‌الخصوص کشورهای حوزه امریکای مرکزی و دریای کارائیب با ایالات متحده را شاید بتوان از زمینه‌هایی دانست که کشورهای این منطقه را به‌خصوص در سال‌های اخیر به سمت و سوی منطقه‌گرایی و یکی‌شدن سوق داده است.

همسایگان

هرچه تعداد همسایگان کشوری بیشتر باشد تمرکز و دل‌مشغولی دولت و شهروندان بر مسائل امنیت ملی نیز بیشتر است (کریمی‌پور و کامران، ۱۳۸۰: ۱۸۱). قدرت‌های منطقه‌ای این فرصت را دارند که منافع ملی خود را به روشی مؤثر و در ارتباط با همسایگان خود دنبال کنند (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). کشورهایی که بخش‌های مهمی از قلمرو خود را از مناطق مرکزی تولید و مصرف متمایز می‌کنند و به برقراری ارتباطات داخلی نیاز دارند (برزیل، بولیوی، کلمبیا، شیلی، پرو، و پاراگوئه)، توسعه اقتصادی به‌وضوح عاملی است که بالاترین همبستگی را دارد (باربارو، ۲۰۱۰: ۶۰). تعداد و کیفیت همسایگان از منظر توسعه‌یافتگی برای کشورها حائز اهمیت فراوان است. بنابراین، قدرت ملی کشورهای همسایه در شکل‌گیری روابط و پیشبرد منافع ملی کشورهای همجوار مهم است. همچنین، داشتن همسایگانی با وزن ژئوپلیتیکی بالا، اوضاع مناسب سیاسی، اجتماعی، و ... در تأمین ثبات - امنیت منطقه‌ای و توسعه منطقه‌ای مؤثر خواهد بود.

مؤلفه‌های ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک منابع

منابع انرژی در سیاست‌های بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده است و الگوهایی از رقابت، همکاری، تجاوز، تعامل، هم‌گرایی، و واگرایی را در عرصه بین‌المللی و روابط کشورها و دولت‌ها شکل داده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). یکی از منابع مهم برای کشورها، خصوصاً در کشورهای امریکای لاتین، ژئوپلیتیک و ترانزیت مواد مخدر است: گردش مالی تولید، توزیع و انتقال مواد مخدر بعد از تجارت اسلحه بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است؛ یعنی حتی از درآمد نفت و انرژی بیشتر است. کشت خشخاش در این منطقه به‌خصوص در کشورهای کلمبیا، مکزیک، و حتی بولیوی و پرو در دهه آینده افزایش خواهد یافت (محمدی و غنجی، ۱۳۸۵: ۹۵-۱۱۸). کشور پرو و بولیوی هم به‌دلیل طلای مرغوبی که دارند اهمیت یافته‌اند. شیلی نیز به معدن مس معروف است. طلا، زمره، و قهوه نیز کالاهایی هستند که برای کلمبیا ثروت تولید کرده‌اند. آرژانتین، برزیل، و مکزیک به‌دلیل برخورداری از منابع طبیعی بسیار موقعیت خوبی دارند. در آرژانتین و مکزیک از میان منابع طبیعی نفت و گاز برای این کشورها ثروت‌زا شده است. برزیل هم به ام‌معدن معروف است (اسعد، ۱۳۹۱: ۱۷۱). این منطقه منابع آبی مهمی دارد، به‌خصوص برزیل، کلمبیا، و پرو بیشترین آب موجود در منطقه را دارند. برزیل دارای بیشترین حجم منابع آبی در امریکای لاتین است (آرانا، ۲۰۱۶: ۳۵). منطقه امریکای لاتین به‌طور فزاینده‌ای به منبع اصلی کالاهای کشاورزی برای بازار جهانی تبدیل می‌شود و در نتیجه بر امنیت غذایی تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، بهبود مدیریت منابع در منطقه نویدبخش مزایای مهمی برای ساکنان جهان است. چون کشاورزی برای امنیت غذایی ضروری است (باربارا و همکاران، ۲۰۱۴: ۷۹). در طی قرن‌ها، کشورهای امریکای لاتین از بابت داشتن منابع پیش‌تاز بوده‌اند: ونزوئلا (نفت)، مس (مکزیک و شیلی)، نیترا (شیلی)، نقره (پرو و مکزیک)، طلا (برزیل)، الماس (برزیل)، و قلع - لیتیوم (بولیوی)، همچنین بیشتر قهوه جهان در ارتفاعات حاصل‌خیز امریکای مرکزی پرورش یافته است. همچنین، در این منطقه کشورهای پُرجمعیتی مانند برزیل، مکزیک، و ... وجود دارد، لیکن، ژئوپلیتیک جمعیت امریکای لاتین یکی از متغیرهای مهم در چرخه قدرت فرامنطقه‌ای و جهانی این منطقه در ابعاد گوناگون نظامی و اقتصادی خواهد بود و در ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی منطقه و شکل‌گیری روابط کشورهای امریکای لاتین با سایر مناطق گیتی اثرگذار خواهد بود.

ژئوپلیتیک دسترسی^۱

بین روابط درون منطقه‌ای و میزان ثبات نظام‌های سیاسی منطقه‌ای ارتباط کاملاً مستقیمی برقرار است. بدین معنی که تشکیل جزیره ثبات در دریاهای ناامن منطقه‌ای ناممکن یا ناپایدار است. برعکس، ناآرامی و بحران‌زایی موردی در مناطق باثبات دوام چندانی نخواهد داشت (کریمی‌پور و کامران، ۱۳۸۰: ۱۸۳). رقابت بر سر کنترل نقاط حساس و استراتژیک نظیر تنگه‌ها و آبراه‌ها در زمره منازعات استراتژیک قرار می‌گیرد. کشمکش آرژانتین و شیلی بر سر کنترل تنگه ماژلان از جمله این منازعات به‌شمار می‌آید (کالینز، ۱۹۹۸: ۲۸۷-۲۹۰). کشورهای مدخل سرزمین کوچک و جمعیت اندکی دارند و غالباً در میان مسیرهای دسترسی کلیدی قرار دارند. باهاما به دلیل جایگاه کانونی در حوزه کارائیب، مجاورت با ایالات متحده، دسترسی آسان به اروپای غربی و امریکای جنوبی، و نیز آب و هوای مطلوب، به مرکز جهان‌گردی، خدمات مالی و بانک‌داری خارجی، مقر شرکت‌های بین‌المللی و متأسفانه تجارت مواد مخدر تبدیل شده است (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۱۲). برخی کشورها تلاش می‌کنند تا فعالیت‌های منطقی را با نقدکردن فرصت‌ها فراتر از تجارت خودشان، مانند تبدیل شدن به سکوها لجستیکی منطقه‌ای، توسعه دهند؛ این روند ممکن است در کشورهای کوچک (پاناما و اروگوئه) یا در کشورهای که دارای جریان‌های تجاری بزرگ (برزیل، آرژانتین، و مکزیک) هستند مشاهده شود. سایر کشورهای بزرگ علاقه رو به رشدی در عملکرد لجستیک در سطح ملی دارند (باربارو، ۲۰۱۰: ۵۹). در کل، بیشتر کشورهای امریکای لاتین به دلیل موقعیت مناسب و نیز دسترسی به دریاها و اقیانوس‌ها از جهات گوناگون تجاری-اقتصادی حائز اهمیت‌اند.

ژئوپلیتیک هویت^۲

تشبیه نقش حوزه فرهنگی و اجتماعی در پیوند استراتژیک کشورها به دلیل عمق اثرگذاری آن‌ها در بدنه ملت‌ها به «ملات» شاید گزافه نباشد. گفته می‌شود به میزانی که بین کشورها در این حوزه‌ها اشتراکات برقرار باشد، درک مسائل و هم‌گرایی نیز بهتر امکان‌پذیر خواهد بود (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷).

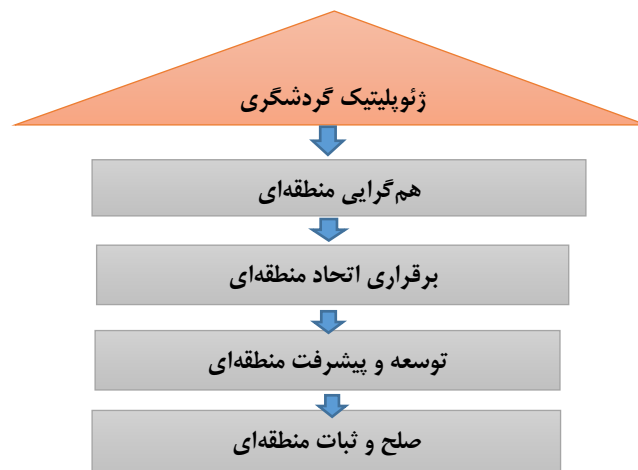
امریکای لاتین جوامع همگن بیشتری دارد و تفاوت زیادی در فرهنگ و مذهب ندارد. فرهنگ شهری محل مناسبی در شکل‌گیری تاریخی امریکای لاتین بوده است، به‌ویژه به دلیل مهاجرت‌های درونی و خارجی که آگاهی ملی منطقه را شکل داده‌اند (آلونسو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۵۴-۲۶۰). مهم‌ترین عامل فرهنگ مشترک کشورهای امریکای لاتین است که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۳۷).

نقش قدرت فرهنگ در تعیین روابط منطقه‌ای نیز درخور توجه است. بدون تردید، بدون تفاهم فرهنگی شکل‌گیری همکاری، صلح، و نظم منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست (جمشیدی و نقدی، ۱۳۹۶: ۳۶). یکی از عوامل انسجام‌بخش ملت‌ها در مسائل فرهنگی و هویتی استقلال‌طلبی و استعمارستیزی است که در تقویت اتحاد ملی و به تبع آن توسعه و پیشرفت کشورها و ایجاد رابطه با جهان پیرامون تأثیرگذار است. این مورد در برخی کشورهای جهان سوم و همچنین منطقه امریکای لاتین مصداق دارد.

ژئوپلیتیک گردشگری

گردشگری به‌شدت رو به گسترش بوده و سرنوشت کشورها، روابط بین‌الملل، و اقتصادهای ملی و جهانی را تحت‌الشعاع قرار داده است (حافظانیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). روابط و نیازهای متقابل ملت‌ها و کشورها در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، و گردشگری امری بدیعی شده است و باعث افزایش چشم‌گیر ارتباطات بین ملت‌ها و دولت‌ها و وابستگی متقابل آن‌ها می‌شود (حافظانیا، ۱۳۸۵: ۳۷۷). در امریکای لاتین تعبیه و نهادینه‌سازی توسعه گردشگری از طریق یک روند هم‌زمان یک‌پارچگی گردشگری

منطقه‌ای انجام گرفته است. گردشگری را می‌توان به‌عنوان نیرویی برای افزایش رقابت‌پذیری جهانی و افزایش تنوع اقتصادی به‌رسمیت شناخت. تسهیل و ترویج توسعه گردشگری در کل منطقه به‌منظور ادغام صنعت به‌عنوان یک بخش استراتژیک در هر کشور با هدف کمک به توسعه گردشگری در منطقه است. در بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست توسعه گردشگری به‌شدت تحت تأثیر اهداف صنعت گردشگری قرار گرفته است. توسعه گردشگری و ادغام منطقه‌ای را می‌توان به‌عنوان فرایندهای تقویت‌کننده متقابل مشاهده کرد (فرگوسن، ۲۰۱۰: ۴-۵). در امریکای مرکزی، مکان‌های تاریخی و اقتصاد گردشگری در جنگل‌های استوایی، که از تنوع فراوان گیاهی و حیوانی برخوردارند، صنعت گردشگری را تقویت کرده‌اند (کوهن، ۱۳۸۷: ۲۸۷). کارکردهای متنوع ژئوپلیتیک گردشگری در مقیاس منطقه‌ای نتایج ذیل را در پی خواهد داشت:



نمودار ۲. ژئوپلیتیک گردشگری و تحکیم ثبات منطقه‌ای
(تنظیم، نویسندگان: ۱۳۹۸)

بدون شک، یکی از راه‌های این تحول ژئواکونومیک و هم‌گرایی منطقه‌ای - جهانی صنعت گردشگری است. گردشگری با توجه به شرایط جهان امروزی واقعیت انکارناپذیری است و کشورهایی می‌توانند از این صنعت بهره‌کافی ببرند که ارتباطات و تعامل مناسب با محیط پیرامون خود داشته باشند و فرهنگ گردشگری در جامعه خود را به‌خوبی اجرا کرده باشند.

جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی

روند جهانی‌شدن ملت‌های دنیا را به سمت هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی کشانده است (حافظنیا و رزقانی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). جهانی‌شدن و گسترش اقتصاد و بازار آزاد وابستگی متقابل کشورها و مناطق مختلف جهان را همراه داشته است؛ در چنین شرایطی، کشورها با هدف مقابله با جریان شتابان و کوبنده جهانی‌شدن و برای پیوستن به آن از راهبرد منطقه‌گرایی سود می‌برند. در این نگاه منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن نه‌تنها دو فرایند متضاد نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند و همدیگر را تغذیه و تقویت می‌کنند (تاوارس، ۲۰۰۴: ۱۳-۱۴). رستاخیز منطقه‌گرایی هم نتیجه هم‌علت روند جهانی‌شدن است. زیرا تغییرات ساختاری پدیدآمده در جهانی‌شدن تولید، که برخاسته از پیشرفت فناوری است، ترتیبات هم‌گرایی منطقه‌ای را ماندگارتر کرده است (هنته و همکاران، ۱۳۹۱: ج ۲۵۰). مسئله‌ای که درباره روند منطقه‌گرایی امریکای لاتین در این زمینه حائز اهمیت است این است که دولت‌های این منطقه با منطقه‌گرایی خود خواهان ایجاد وابستگی متقابل متقارن درون منطقه‌ای هستند که بتواند آن‌ها را از وابستگی‌های نامتقارن برون منطقه‌ای به‌ویژه با امریکا رها کند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۱). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های منطقه‌گرایی امریکای لاتین در زمینه سیاسی - امنیتی تلاش در جهت کنترل خشونت و بی‌ثباتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی کشورهای

این منطقه است. خشونت‌های داخلی و برون‌کشوری که نگرانی اصلی کشورهای این منطقه به‌شمار رفته و در دهه‌های اخیر کشورهای این منطقه سعی کرده‌اند تا کنترل درخورتوجهی بر مسئله امنیت و خشونت داشته باشند. جهانی‌شدن همه عرصه‌های حیات در امریکای لاتین را تحت تأثیر خود قرار داده است: فرهنگ (فیلم و تلویزیون)، جامعه (هنجارهای رفتاری)، سیاست (دموکراسی)، و فراتر از همه اقتصاد. امریکای لاتین اکنون بخشی از اقتصاد بازار جهانی را تشکیل می‌دهد (هوارد و هاروی اف، ۱۳۸۷: ۲۱). جهانی‌شدن نه تنها مهاجرت را گسترش داد، بلکه به یک پارچگی اقتصادی امریکای لاتین در نظام منطقه‌ای و جهانی کمک کرد. رابطه بین مهاجرت، شهرها، و جهانی‌شدن ماهیت متغیر ژئوپلیتیک امریکای لاتین را نشان می‌دهد (آلونسو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۵۳).

جدول ۲. چشم‌انداز سیاسی - امنیتی مناطق جغرافیایی جهان

نظام‌های سیاسی منطقه‌ای	چشم‌انداز سیاسی - امنیتی (مقیاس جهانی)
امریکای شمالی	آرام و باثبات، فاقد بحران فعال
اروپای غربی	آرام و باثبات، فاقد بحران‌های فعال، واجد بحران‌های حل‌نشده
اقیانوسیه	آرام و باثبات، بحران‌های پراکنده و جزئی
امریکای لاتین	آرام، منزوی، بحران‌های غیرفعال و محدود
آسیای شرقی	باثبات مناسب، دارای بحران‌های عمیق، خفته و حل‌نشده
اروپای شرقی	آرام و باثبات نسبی، در حال گذار
جنوب آسیا	کم‌ثبات، با بحران‌های عمیق و حل‌نشده
جنوب افریقا	نسبتاً ناآرام، به سوی ثبات، واجد اختلافات بالقوه درونی
خاورمیانه	به شدت ناآرام، بی‌ثبات، واجد بیشترین بحران‌های منطقه‌ای داخلی و بین‌المللی

(منبع: کریمی پور و کامران، ۱۳۸۰: ۱۸۴) (تنظیم، نویسندگان: ۱۳۹۸)

گروه‌بندی منطقه‌ای

گروه‌بندی منطقه‌ای پدیده جدیدی نیست. طی چند قرن فرایندی است که دیدگاه‌های متفاوتی داشته است و توسط بازیگران مختلف شکل گرفته و از الزامات مختلف پیروی می‌کند (تاوارس، ۲۰۰۴: ۲۴). اولین شاخص‌های پیشرفت در رابطه با هم‌گرایی و نمونه‌هایی از کشورهایی که جریان تجارت بزرگی در امریکای لاتین داشتند مکزیک، برزیل، و آرژانتین بودند. آن‌ها همچنین دارای بیشترین رشد اقتصادی بودند (پرسکوت، ۲۰۱۲: ۴۰). از مهم‌ترین نتایج این هم‌گرایی عدم قبول پیمان منطقه آزاد تجاری امریکا از سوی کشورهای مهم منطقه و طرح جای‌گزین‌های منطقه‌ای نظیر طرح چاوز معروف به اتحاد بولیواری برای امریکای لاتین موسوم به «طرح آلبا» است (خسروی و سندگل، ۱۳۹۰: ۱۰۷). آلبا یا جای‌گزین بولیواری برای امریکای لاتین اتحادیه‌ای است بر پایه انگاره‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی ضد نئولیبرالیستی که با هدف به چالش کشیدن سلطه اقتصادی امریکا در منطقه امریکای لاتین و کارائیب و نیز مخالفت با الگوی بازار آزاد، در سال ۲۰۰۴ و با ابتکار رؤسای جمهور ونزوئلا و کوبا ایجاد شد و نیز فرایندی برای تعیین سازوکار هم‌گرایی و جهت‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای در امریکای لاتین و کارائیب است (خسروی و سندگل، ۱۳۹۰: ۱۰۸). اتحادیه یا سازمان سلاک کشورهای امریکای لاتین و کارائیب بزرگ‌ترین و جدیدترین اتحادیه در میان کشورهای امریکای لاتین است. این اتحادیه، که با حضور همه کشورهای منطقه به‌جز امریکا و کانادا تشکیل شده، زمینه‌ساز ایجاد همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی در این منطقه است (دهشیری و سیفی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). از نمونه‌هایی دیگر اتحادیه‌های منطقه‌ای که در طول سال‌های اخیر میان کشورهای منطقه شکل گرفته می‌توان به بازار مشترک جنوبی (مرکوسور)، اتحادیه کشورهای امریکای جنوبی (اوناسور)، و جامعه آند اشاره کرد. به عبارت دیگر، آنچه در دهه‌های کنونی نظیر حاکمیت نسبی دموکراسی و برافتادن دیکتاتورهای نظامی، افزایش امنیت، و حرکت به سمت

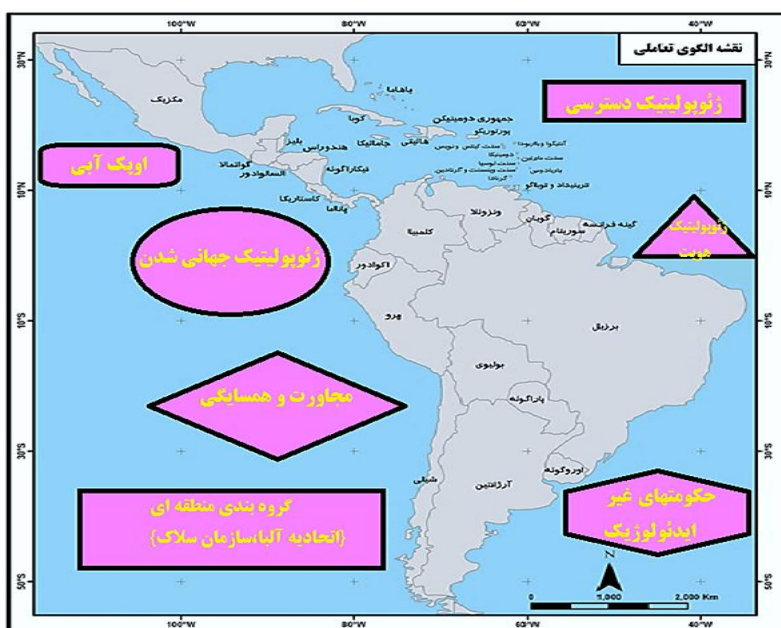
توسعه در منطقه آمریکای لاتین اتفاق افتاده است جایگاه این منطقه را در امنیت جهانی تغییر داده و امروزه این منطقه با برطرف کردن بسیاری از معضلات و اختلاف‌های موجود میان کشورهای منطقه و تنش‌زدایی به سمت کنش مسالمت‌آمیز در چارچوب هم‌گرایی منطقه‌ای سوق یافته است؛ منطقه‌گرایی‌ای که می‌توان مهم‌ترین شاخص‌ها و نمودهای آن را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، و فرهنگی مشاهده کرد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

الگوی روابط ژئوپلیتیک در امریکای لاتین

کشورهای امریکای لاتین در پی آن هستند که از طریق فرایند توازن‌سازی قدرت منطقه‌ای خود جلوی سلطه و دخالت بازیگران مختلف در این منطقه را بگیرند تا بتوانند از طریق همبستگی و ادغام منطقه‌ای مسیر پیشرفت، صلح، و ثبات خود را فراهم کنند. چون بستر و شالوده اصلی تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و یا برعکس علل ایجاد ثبات، آرامش، و تداوم امنیت کشورها و مناطق در قرن بیست‌ویکم بیشتر متأثر از موقعیت جغرافیایی و شرایط ژئوپلیتیکی آن‌هاست. امروزه، رشد اقتصادی کشورهای این حوزه سبب شد تا این منطقه نقش مهمی در نظام بین‌الملل ایفا کند. اشتیاق قدرت‌های بزرگ همچون امریکا، اروپا، و چین و حتی کشورهایی نظیر ترکیه برای حضور در فعالیت در این منطقه نشان از ارتقای جایگاه و اثرگذاری امریکای لاتین در معادلات جهانی دارد (نوروزی، ۱۹۹۰: ۱۲۸). بسیاری از تحلیلگران و سیاست‌گذاران نرخ سریع ادغام اقتصادی بین گروه‌های مختلف کشورهای امریکای لاتین را بیانگر کاهش تهدیدات امنیتی می‌دانند. روابط اقتصادی جدید حتی در بین کشورهایی که در گذشته یکدیگر را رقیب می‌دیدند رو به رشد است. در صورت صحت این پیوندها، نتایج روابط غیرنظامی و نظامی بین ادغام اقتصادی و امنیت منطقه می‌تواند عمیق باشد (هیل و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۲۳-۲۲۴).

در کشور پرو افزایش درآمد بودجه‌ای باعث ایجاد یک رشته اصلاحات اجتماعی شد که به روند شکل‌گیری ملت کمک کرد (کین و هاینز، ۲۰۰۹: ۲۲۹). در مکزیک جنبش استقلال چرخش غیرمنتظره‌ای گرفت. در اینجا توده‌های مردم به جای آنکه از یکدیگر کناره بگیرند به مبارزه پیوستند و برای مدتی موفق شدند آن را از یک مشاجره خصوصی بین دو نفر از نخبگان به یک انقلاب اجتماعی نوین تبدیل کنند (همان: ۱۷۰). کشورهای امریکای لاتین مناقشات و منازعات را بدون توسل به تهدیدات نظامی حل و فصل کرده‌اند (لیک و مورگان، ۱۳۹۵: ۲۸۱). درباره برزیل و آرژانتین تاریخ‌های آن‌ها با رژیم‌های نظامی که گاهی بی‌رحم بودند علامت‌گذاری شده است. بسیاری از این رژیم‌ها به‌عنوان دیکتاتور عمل کردند و این سلطه بر توسعه اقتصادی به‌صورت منفی تأثیر گذاشت (پرسکوت، ۲۰۱۲: ۴۲). بیش از هشت جنگ در امریکای لاتین رخ داده است. در دهه ۱۹۷۰ میلادی پرو و شیلی درگیر یک مسابقه تسلیحاتی شدند. جنگ بین پرو و اکوادور که در سال ۱۹۹۵ به اوج خود رسید. جنگ‌ها در قرن نوزدهم طولانی بود ولی جنگ‌های قرن بیستم نمونه‌های محدودتری بوده‌اند. به هر حال، امریکای لاتین در کنترل مناقشه خشونت‌آمیز پیشرفت درخورتوجهی کرده است (لیک و مورگان، ۱۳۹۵: ۲۷۱). روابط کشورهای امریکای لاتین تقریباً دوستانه است. آخرین جنگی که در این منطقه شکل گرفت بین کشورهای اکوادور و پرو در سال ۱۹۹۵ بود (<https://www.magiran.com>). کشورهای امریکای لاتین به‌خوبی دریافته‌اند که فقط از طریق هم‌گرایی منطقه‌ای می‌توانند بهترین پاسخ را به شرایط کنونی جهان ارائه دهند و ضمناً به مبارزه دسته‌جمعی با مشکلات آن منطقه نظیر فقر، حاشیه‌نشینی، و نابرابری‌های اجتماعی بپردازند (<https://www.magiran.com>). امریکای لاتین روند ادغام تجاری و سیاسی را پشت سر گذاشته است. هر دو طرح افزایش تجارت درون منطقه‌ای از طریق تسهیل تجارت و اولویت‌دادن به رویکردهای جغرافیای اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای تعمیق ادغام در سطح منطقه است (گرورو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷). امریکای لاتین دو سازمان تجاری بزرگ به نام‌های «اتحاد اقیانوس آرام» و «مرکوسور» دارد که هر دو به پیشرفت اقتصاد منطقه کمک شایانی می‌کنند. در هر صورت، بخش‌های دولتی و خصوصی در برخی کشورهای امریکای

لاتین اخیراً درجه‌ای از روابط حسنه را تجربه کرده‌اند و با یکدیگر همکاری می‌کنند. امریکای لاتین به عواملی در موفقیت بخش‌های دولتی و خصوصی نیاز دارد، مانند توسعه بسیار خدمات مدنی، اتحاد، شفافیت، ارزیابی منظم و دقیق، استراتژی، کدهای رفتار و رویه‌های احتمالی برای اتحاد بازیگران دولتی و خصوصی (دولین و موگیلانسکی، ۲۰۱۱: ۱۷۴). وجود منابع فراوان آب شیرین این فرصت را برای کشورهای منطقه امریکای لاتین می‌دهد که با تشکیل سازمان همکاری استراتژیک در هم‌گرایی منابع آبی منطقه تحت عنوان اوپک آبی و با توجه به اهمیت عنصر آب نوعی وابستگی برای سایر مناطق جهان ایجاد کنند و باعث شکل‌گیری روابط کارکردی و پیوندهای هیدروپولیتیک-ژئواکونومیک در کشورهای این منطقه خواهد شد. البته، این مهم به فراست سیاستمداران کشورهای منطقه بستگی دارد. حتی در دوران استعمار نیز وجه مشخصه روابط برزیل با همسایگانش را سازش و گسترش تشکیل می‌داد: سازش بدین معنی که برزیل به‌ندرت وارد جنگ با همسایگانش می‌شد (هوارد و هاروی اف، ۱۳۸۷: ۳۱۸). بعد از دهه‌ها تنش و سوءظن، اکنون روابط بهتری بین برزیل و آرژانتین برقرار شده است، میزان تجارت آن‌ها به نسبت گذشته افزایش نشان داده است که در این میان برزیل انواع گوناگون محصولات کارخانه‌ای را در قبال دریافت محصولات کشاورزی صادر می‌کند. نزدیک به یک‌چهارم از کالاهای صادراتی برزیل به امریکای لاتین در اواخر دهه ۱۹۸۰ به آرژانتین ارسال شده است (هوارد و هاروی اف، ۱۳۸۷: ۳۲۵). در مجموع، روابط ژئوپلیتیک کشورهای امریکای لاتین متأثر از عواملی است که در روابط بین واحدهای سیاسی منطقه به‌خصوص قدرت‌های منطقه‌ای مانند برزیل، آرژانتین، و مکزیک وجود دارد و به‌طور کلی در چارچوب منابع همکاری و روابط مسالمت‌آمیز قابل بررسی است، عناصری مانند وزن ژئوپلیتیک زیاد، منابع جغرافیایی همکاری (مجاورت- همسایگی)، ژئوپلیتیک منابع، ژئوپلیتیک هویت، اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و کارایی مؤثر آن‌ها در ایجاد هم‌گرایی، ژئوپلیتیک جهانی‌شدن و نسبت آن با تقویت منطقه‌گرایی، غلبه عناصر هم‌گرا، درجه بالای ثبات و امنیت منطقه‌ای و ... عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مهمی هستند که باعث شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیک این منطقه براساس رابطه تعاملی شده است. بر مبنای این رابطه عناصر هم‌گرایی بر مؤلفه‌های واگرایی چیرگی دارد. در شکل ۴ عناصر اثرگذار الگوی روابط تعاملی منطقه امریکای لاتین نشان داده است:



(تدوین و ترسیم، نویسنده گان: ۱۳۹۸).

نقشه ۴. عوامل مؤثر در ایجاد الگوی تعاملی روابط ژئوپلیتیک در منطقه امریکای لاتین

چشم‌انداز آینده

دورنمای امریکای لاتین برای تبدیل شدن به یک منطقه ژئوپلیتیکی یک‌پارچه به واسطه تقویت روابط میان برزیل و آرژانتین امیدوارکننده به نظر می‌رسد. از سرگیری روابط میان برزیل و آرژانتین هم‌اکنون توانایی برزیل برای رهبری به سمت هم‌گرایی و تضمین صلح و ثبات را تقویت می‌کند. احیای سریع اقتصادی آرژانتین هم برای اتحاد منطقه‌ای مهم ماست (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۸۹).

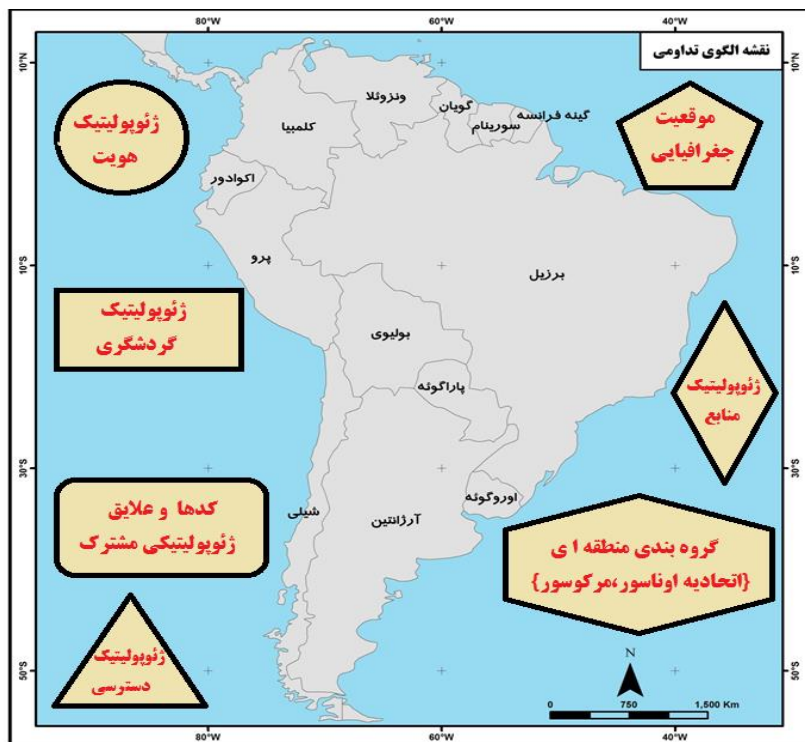
برزیل و آرژانتین رقابت (تقابل) طولانی‌مدت را کنار گذاشتند تا وارد یک رابطه تعاونی با نام برنامه انسجام اقتصادی آرژانتین- برزیل شوند و نیز یک برنامه رسمی برای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی ایجاد شود. از دیدگاه سیاسی، هدف آن‌ها تقویت رژیم‌های دموکراتیک بود که در هر دو کشور و پس از دوره‌های طولانی حاکمیت نظامی در اواسط دهه ۱۹۸۰ ظاهر شدند. در حوزه اقتصادی، هدف توسعه تجارت دوجانبه بین دو کشور از طریق پروتکل‌هایی است که بر پایه بخشی از محصولات داخلی مانند کالاهای سرمایه‌ای، کشاورزی، و بخش خودروسازی تأکید دارند. یک‌پارچه‌سازی منطقه‌ای نیز می‌تواند به عنوان یک قطب قدرتمند برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری جدید به یک کشور کمک کند. چنین هماهنگی‌هایی برای سرمایه‌های خارجی و هم داخلی و برای توسعه به بازارهای بزرگ‌تر از طریق تعرفه‌های معمول خارجی، قواعد مبدأ، و مقررات مربوط به محتوای محلی فراهم می‌کند که در صورت سوء استفاده چشم‌انداز برنده شدن یا افزایش سهم بازار را حفظ می‌کنند. به این ترتیب، اقتصادهای کشورهای در حال توسعه قادر به بهره‌برداری از مزایای وابستگی متقابل جهانی از طریق انتقال خالص سرمایه جدید و تکنولوژی پیشرفته به کشور دریافت‌کننده‌اند (فریدن و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۸۶-۱۹۰).

بهبود وضعیت منطقه نیازمند همکاری کشورها بر مبنای رقابت و نوآوری است. این استراتژی مبتنی بر توانایی منطقه برای رقابت در اقتصاد جهانی است (پرسکوت، ۲۰۱۲: ۸۵). امریکای لاتین روند ادغام تجاری و سیاسی را پشت سر گذاشته است. هر دو طرح افزایش تجارت درون منطقه‌ای از طریق اقدامات تسهیل تجارت و اولویت‌دادن به رویکردهای جغرافیای اقتصادی ابزاری برای تعمیق ادغام در سطح منطقه است (گرررو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷). این وابستگی متقابل منطقه‌ای امتیازات محسوس و عملی دارد که از همکاری بین ملت‌های متصل به هم از لحاظ جغرافیایی نشئت گرفته است (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۴). در مقطع کنونی، مرکوسور یک بلوک منطقه‌ای متشکل از آرژانتین، برزیل، پاراگوئه، اروگوئه، و ونزوئلاست. کشورهای شیلی، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، و پرو نیز با آن در ارتباط‌اند. مکزیک و زلاندنو نیز عضو ناظر این بلوک‌اند. کشورهای منطقه در این آرزو هستند که با تحکیم و تعمیق روابط سیاسی، امنیتی، و اقتصادی مابین کشورهای جنوب، در قالبی واحد، مدافع منافع دسته‌جمعی کشورهای امریکای لاتین باشند که مصداق بارز آن، به‌ویژه در اتحادیه اونسور، تجلی یافته است؛ اتحادیه‌ای که ریشه‌های تاریخی و ایدئولوژیکی آن را باید در تفکرات و اندیشه‌های سیمون بولیوار، قهرمان استقلال امریکای لاتین، جست‌وجو کرد. اونسور با الگوبرداری از اتحادیه اروپا در صدد یک‌پارچگی امریکای لاتین است (خسروی و سنگل، ۱۳۹۰: ۱۱۴). امریکای لاتین به دو عامل اساسی اقتصاد ملی براساس توانایی‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای و تعریف مستقل و بومی از امریکای لاتین به لحاظ فرهنگی نیازمند است (پورپشنگ، ۱۳۸۷: ۴۸). مشخصه امریکای لاتین چشم‌انداز همزیستی و آمیختگی است. کشورهای امریکای لاتین با تکیه بر منابع سرشار طبیعی مانند نفت و گاز، منابع فراوان آب، نیروی انسانی، دسترسی به دریاها و اقیانوس‌ها، موقعیت ژئواستراتژیک، ظرفیت بالای گردشگری، و دارا بودن الهیات رهایی‌بخش و کسب استقلال با انعقاد پیمان‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی می‌توانند موجبات جلوگیری از دخالت‌ها در امور کشورهای خود را توسط دولت‌های استعماری و غربی فراهم آورند تا در آینده شاهد رشد توسعه، شکوفایی، و استقلال واقعی باشند.

درباره امریکای جنوبی، یک فرایند ادغام غنی در سراسر منطقه وجود دارد که تمدن اینکا و بسیاری از تمدن‌های پیش از آن توسعه یافته‌اند. ادغام این جنبش بومی به سرزمین‌های اکوادور، کلمبیا، پرو، بولیوی، شمال شیلی، و آرژانتین می‌رسد. بیش از پانصد سال است که استعمار اروپایی‌ها نمی‌تواند این اتحاد تاریخی و جغرافیایی را از بین ببرد (بروکمان، ۲۰۱۰: ۶۰۴). بنیان‌گذاران اصلی مرکوسور برزیل و آرژانتین با مدل‌سازی از روند شکل‌گیری اتحادیه اروپا در این آرزو هستند که با تحکیم و تعمیق روابط اقتصادی مابین خود و سپس توسعه دامنه جغرافیایی فعالیت سازمان و پس از آن توسعه دامنه حوزه کاری سازمان از اقتصادی و تجاری به سیاسی در قالبی واحد ترسیم‌کننده و مدافع منافع دسته‌جمعی کشورهای امریکای جنوبی و امریکای لاتین باشند (پورپشنگ، ۱۳۸۷: ۵۵). مرکوسور در سال ۱۹۹۱ میان کشورهای برزیل، آرژانتین، اروگوئه، و پاراگوئه با هدف آزادسازی تدریجی تجارت در این منطقه رسماً ایجاد شد. اعضای مرکوسور را باید درحقیقت پیشگامان هم‌گرایی منطقه‌ای دانست که در سال‌های گذشته موفقیت‌هایی را به‌دست آورده‌اند (خسروی و سندگل، ۱۳۹۰: ۱۰۷). نایل آمدن به این شرایط و بهره‌برداری از مواضع استراتژیک یکسان مستلزم بلوغ و خودآگاهی منطقه‌ای است. این خودآگاهی منطقه‌ای باعث خواهد شد کدها و علایق ژئوپلیتیکی مشترک منبای ثبات و تداوم روابط ژئوپلیتیکی و تعاملات اعضای منطقه قرار گیرد. از جمله مناطقی که استعداد و ظرفیت شکل‌گیری چنین روابطی را دارد منطقه ژئوپلیتیک امریکای لاتین به‌خصوص ناحیه امریکای جنوبی است. با توجه به توانمندی‌های این منطقه از منظر فرهنگی (ریشه استعماری و تاریخی مشترک اعضای منطقه، دین، و زبان یکسان بین اکثریت کشورهای منطقه)، از منظر هیدروپلیتیکی (طبق آمار و گزارش‌های منتشرشده درصد زیادی از منابع آب شیرین دنیا از آن کشورهای امریکای لاتین است)، از منظر ژئواکونومیکی (فراوانی منابع انرژی فسیلی و غیرفسیلی و سایر منابع استراتژیک، به‌طوری‌که کشور ونزوئلا بیشترین منابع نفت جهان را دارد)، از منظر استراتژیک و جغرافیایی (دسترسی اکثریت کشورهای این منطقه به آب‌های آزاد، اقلیم مساعد و تنوع آب و هوایی، زمین‌های حاصل‌خیز و ...) این امکان را به این منطقه خواهد داد که اثرگذاری زیادی بر اوضاع پیرامون خود و مسائل جهانی داشته باشد. از طرفی دیگر، این امتیازات و نحوه استفاده بهینه از آنها مستلزم داشتن ثبات و تداوم روابط مناسب بین کشورهای منطقه است. درحقیقت، اگر خودآگاهی منطقه‌ای ایجاد شود، امریکای لاتین به مرحله یک‌پارچگی و تثبیت خواهد رسید آن هم باعث کاهش انزوا و وابستگی ژئوپلیتیکی، افزایش وزن ژئوپلیتیکی منطقه، و هماوایی بیشتر منطقه با تحولات نظام ژئوپلیتیک پیرامونی و جهانی خواهد شد.

با تشکیل اتحادیه کشورهای امریکای جنوبی (اوناسور) و نقش بارز آن در هم‌گرایی به‌نظر می‌آید اتحادیه کشورهای امریکای جنوبی در صورت نیل به اهدافش به یک منطقه مملو از صلح و اتحاد و توسعه در راستای پیشرفت مردم خود و به‌عنوان عاملی جهت همبستگی نهایی کشورهای امریکای لاتین مبدل خواهد شد (<https://www.magiran.com>). این اتحادیه دو سازمان تجارت آزاد «مرکوسور» و «جامعه آند» را با یکدیگر در چارچوب طرح یک‌پارچگی امریکای جنوبی ادغام می‌کند (خسروی و سندگل، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

برزیل کلید یک‌پارچگی قاره‌ای بوده و به‌عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه می‌تواند هویتی منطقه‌ای برای خود ایجاد کند. تحت این شرایط امریکای جنوبی خواهد توانست بر وضعیت کنونی خود، که در حاشیه ژئوپلیتیکی است، فائق آید و به‌عنوان بخشی مهم در نظام ژئوپلیتیکی جهانی جایگاه خاصی برای خود تعریف کند. اگر برزیل در برنامه‌های خود موفق شود، به‌عنوان رهبر توانمند کشورهای منطقه عمل کند، تأثیر مهمی در سرنوشت سایر کشورها خواهد گذاشت. تأکید مقاله حاضر نیز بر این نکته است که برزیل قادر خواهد بود چنین رهبری را به‌دست آورد و محور وحدت امریکای لاتین قرار گیرد. این تأثیر مهم و حیاتی می‌تواند حتی لقب هارتلند جدید را برای امریکای لاتین خصوصاً ناحیه امریکای جنوبی به دنبال داشته باشد. مؤلفه‌های مهم الگوی رابطه تداومی و ثبات ژئوپلیتیک در نقشه ۵ نشان داده شده است:



(تدوین و ترسیم، نویسندگان: ۱۳۹۸).

نقشه ۵. عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوی تداومی روابط ژئوپولیتیک در منطقه آمریکای لاتین

نتیجه‌گیری

کشورهای آمریکای جنوبی، مرکزی، حوزه دریای کارائیب و مکزیک در آمریکای شمالی از لحاظ اعتبار موقعیت جغرافیایی، ریشه‌های تاریخی، رهایی از سلطه استعمار، گرایش‌های سیاسی، تعاملات فرهنگی، ارتباطات اقتصادی به منطقه آمریکای لاتین تعلق دارند. بنابراین، در قلمرو آمریکای لاتین یک منطقه ژئوپولیتیک تشکیل شده است. به علت آرام‌بودن منطقه و محدودیت مناقشات و بحران‌های غیرفعال و وجود محورهای اتصالی و پیوستگی جغرافیایی و فرهنگی، فضای حاکم بر آن از تنش‌ها و روابط خصومت‌آمیز دهه‌های قبل فاصله گرفته و زمینه را برای تعامل و مشارکت منطقه‌ای فراهم کرده است و در سایه همکاری‌های منطقه‌ای و روابط سازنده قدرت‌های منطقه‌ای الگوی تعاملی در بین واحدهای سیاسی منطقه‌ای شکل گرفته است. آنچه مسلم است شکل‌گیری انواع روابط در مقیاس منطقه‌ای بین کشورهای آمریکای لاتین در بیشتر مواقع متأثر از عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی است. مؤلفه‌های مهمی در شکل‌گیری این روابط نقش دارند که در پژوهش حاضر شناسایی شده‌اند، عناصری مانند موقعیت راهبردی، ژئوپولیتیک هویت، ژئوپولیتیک گردشگری، گروه‌بندی منطقه‌ای، و ژئوپولیتیک جهانی‌شدن. یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها ژئوپولیتیک منابع و ژئوپولیتیک دسترسی است. آمریکای لاتین دارای منابع عظیم نفت، آب شیرین، معدنی، و ... با دسترسی مطلوب و کریدورهای مناسب است که وجود این منابع و ثروت‌ها، علاوه بر رشد اقتصادی منطقه، با افزایش ارتباطات و توسعه مناسبات، کشورهای منطقه را قادر خواهد ساخت که با خودآگاهی و اتحاد منطقه‌ای از امتیازات و فرصت‌های موجود بتوانند زمینه را برای تقویت سازوکارهای منطقه‌ای و ایجاد ارتباط و تعامل با سایر مناطق ژئوپولیتیکی و سرانجام با نظام ژئوپولیتیک جهانی داشته باشند.

شایان ذکر است مدل‌های مختلفی از روابط ژئوپولیتیک وجود دارد که به شکل سلطه، تعامل، نفوذ، رقابت، تقابل، و تداوم شکل می‌گیرد. بررسی روابط ژئوپولیتیکی در آمریکای لاتین بیانگر این نکته است که فضای موجود در آمریکای

لاتین از رابطه رقابتی سال‌های گذشته عبور کرده و با اتکا بر عناصر جغرافیایی و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی خصوصاً با ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و نیز سازش قدرت‌های مهم منطقه‌ای به سمت هم‌گرایی و رابطه تعاملی سوق یافته است. کشورهایی که دارای تقارن جغرافیایی‌اند غالباً مناطق ارتباط دوجانبه و چندجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آن‌ها به شدت از همدیگر تأثیر می‌پذیرد. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد اثرپذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع رابطه متقابل و همانندی سیاسی، فرهنگی و هم‌تکمیلی اقتصادی هم‌گرایی آن‌ها بالا می‌رود. بنابراین، با توجه به مطالب گفته‌شده، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

فرجام سخن آنکه به نظر می‌رسد با وجود پیوستگی جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، افزایش خودآگاهی منطقه‌ای، وجود کدهای ژئوپلیتیکی مشترک، رشد هم‌گرایی منطقه‌ای در قالب اتحادیه‌های مهم و استراتژیک مانند سازمان سلاک، اتحادیه اونسور، مرکوسور، اتحادیه آلبا، و سازمان آند، کشورهای این منطقه قدم در تثبیت روابط و تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای خواهند گذاشت و الگوی غالب روابط ژئوپلیتیک آن‌ها از مدل تداومی خواهد بود. در نتیجه صلح، توسعه سیاسی و اقتصادی این مناطق بر ثبات ژئوپلیتیکی نظام پیرامونی و جهانی خواهد افزود. در واقع، عبور امریکای لاتین از مرحله بحران و گذار ژئوپلیتیکی و رسیدن به مرحله تثبیت و تداوم ژئوپلیتیکی یعنی نقش‌آفرینی مهم و شایان توجه این منطقه از ابعاد گوناگون بر تحولات نظام جهانی.

سپاس‌گزاری

با توجه به اینکه پژوهش فوق مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی با عنوان «تبیین الگوی روابط ژئوپلیتیک در منطقه امریکای لاتین و ارائه مدل راهبردی برای سیاست خارجی ایران» در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران است، از معاونت پژوهشی دانشگاه سپاس‌گزاری می‌شود.

منابع

۱. احمدی نوحدانی، سیروس، ۱۳۹۲، *الگویابی شخصیت سیاسی فضاهای جغرافیایی حایل*، مورد مطالعه: ایران، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ اسماعیلی، مرتضی و بهزاد آقایی، ابوذر، ۱۳۹۴، امریکا و چالش قدرت در امریکای لاتین: مقایسه رویکرد ایران و چین، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۴، ش ۱۵، صص ۹۵-۱۲۴.
۳. اسعد، سهیل، ۱۳۹۱، فضای فرهنگی و اجتماعی امریکای لاتین: یک پارچه در ظاهر، ماه‌نامه زمانه، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ش ۲۵ و ۲۶، صص: ۷۰-۷۱.
۴. پورپشنگ، زهرا، ۱۳۸۷، *امریکای لاتین: نقش و جایگاه آن در آینده نظام بین‌الملل*، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۵. جمشیدی، محمد حسین و نقدی، فرزانه، ۱۳۹۶، فرهنگ به مثابه قدرت در روابط بین‌الملل (قدرت فرهنگ در برابر فرهنگ قدرت)، فصل‌نامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره ۶، ش ۱، صص ۷-۴۱.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا و رزقانی، سیدهادی، ۱۳۹۱، چالش‌های ژئوپلیتیکی هم‌گرایی در جهان اسلام، فصل‌نامه پژوهش‌های علوم انسانی، ش ۸۰، صص ۱۳۹-۱۵۴.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد، ۱۳۸۳، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
۹. حسین‌پور پویان، رضا، ۱۳۹۰، *تبیین الگوی روابط در مناطق ژئوپلیتیک (مطالعه موردی: شبه‌قاره هند)*، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. خسروی، ملک‌تاج و سندگل، احمد، ۱۳۹۰، تأثیر چپ‌گرایی نوین در امریکای لاتین بر مناسبات سیاسی - امنیتی این کشورها با ایالات متحده امریکا، فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل)، دوره ۴، ش ۴، صص ۹۱-۱۱۸.
۱۱. دهشیری، محمدرضا و سیفی، عبدالرضا، ۱۳۹۱، سلاک؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، فصل‌نامه مطالعات سیاسی و اجتماعی جهان، دوره ۲، ش ۲، صص ۲۳۳-۲۵۶.
۱۲. ربیعی، حسین، ۱۳۸۸، *نقش قدرت منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی مورد: ایران در منطقه خلیج فارس در دهه هفتاد میلادی*، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، ۱۳۹۳، تحلیل روند منطقه‌گرایی در امریکای لاتین براساس نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۳، ش ۱۰، صص ۱۵۷-۱۸۴.
۱۴. رضایی، حسن، ۱۳۹۰، امریکای لاتین؛ از دور، از نزدیک، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، س ۳، ش ۸، صص ۷-۱۷.
۱۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۰، *جغرافیای کشورهای جهان (برزیل)*، تهران: زیتون سبز.
۱۶. سلیمی، حسین؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و پوراسماعیلی، نجمیه، ۱۳۹۶، مدل و تحلیل رابطه نظام منطقه‌ای و سیاست خارجی، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، س ۱۳، ش ۳، صص ۱-۲۴.
۱۷. سنایی، مهدی و ابراهیم‌آبادی، غلام‌رضا، ۱۳۹۲، سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها، و جایگاه آن در نظام بین‌المللی، فصل‌نامه مطالعات سیاسی و اجتماعی جهان، دوره ۳، ش ۱، صص ۱-۴۰.
۱۸. شاه‌محمدی، پریسا، ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک امریکای لاتین و سیاست جهانی، رویارها و تحلیل‌ها، ش ۲۵۳، صص ۲۷-۲۹.
۱۹. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۶، *نظریه‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: قومس.

۲۰. کریمی‌پور، بدالله و کامران، حسن، ۱۳۸۰، بستر جغرافیایی تهدیدهای بیرونی مطالعه موردی: حاشیه دریای مازندران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۲، صص ۱۷۹-۱۹۰.
۲۱. کریمی‌پور، بدالله و عزیزی، امیر حمزه و ربیعی، حسین و متقی، افشین (۱۳۹۷)؛ تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها مطالعه موردی؛ ایران و عراق، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال هجدهم، ش ۴۸، صص ۲۱-۳۹.
۲۲. کوهن، سوئل، ۱۳۸۷، نظام ژئوپلیتیک جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
۲۳. کوهینی نفرشی، امیر، ۱۳۹۰، اهمیت ژئوپلیتیک امریکای لاتین، فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۸، صص ۲۲۷-۲۵۴.
۲۴. لیک، دیوید و مورگان، پاتریک، ۱۳۹۵، نظم‌های منطقه‌ای (امنیت‌سازی در جهانی نوین)، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: مطالعات راهبردی.
۲۵. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۱، فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر مجازی)، تهران: سمت.
۲۷. محمدی، حمیدرضا و غنجی، محمد، ۱۳۸۵، چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان، و افغانستان)، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، س ۲، ش ۱ (پیاپی ۳)، صص ۹۰-۱۲۱.
۲۸. نوروزی، رسول، ۱۳۹۰، امریکای لاتین، هویت و تمدن (جایگاه استراتژیک امریکای لاتین در نظام بین‌الملل)، مجله علمی- پژوهشی پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۸، صص ۹۹-۱۳۱.
۲۹. هتته، بوردن؛ آندارش، اینوتای و اوزوالدو، سونکل، ۱۳۹۱ الف، منطقه‌گرایی نو و آینده امنیت و توسعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت خارجه.
۳۰. هتته، بوردن؛ آندارش، اینوتای و اوزوالدو، سونکل، ۱۳۹۱ ب، مقایسه منطقه‌گرایی (نتایجی برای توسعه جهان)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت خارجه.
۳۱. هتته، بوردن؛ آندارش، اینوتای و اوزوالدو، سونکل، ۱۳۹۱ ج، جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی نو، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت خارجه.
۳۲. هوارد، ویاردا و هاروی اف، کلاین، ۱۳۸۷، امریکای لاتین، سیاست، حکومت، و توسعه، ترجمه علیرضا قربان‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
۳۳. یوسفی کوپایی، غلام‌حسین؛ یزدانی، عنایت‌الله و امید، علی، ۱۳۹۷، تبیین کاربرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه امریکای لاتین؛ روندها و دستاوردها، دوفصل‌نامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، س ۱۴، ش ۳۲ (پیاپی ۲۸)، صص ۱۶۸-۱۹۸.
34. Ahmadi Nouhdani, S., 2013, *Modeling the Political Personality of Geographic Space, Case Study: Iran*, Ph.D. in Political Geography, under the guidance of Mohammad Reza Hafeznia, Tarbiat Modares University.
35. Alonso, Á.; Alonso, C. and Hernández, J. I., 2019, *Latin American Geopolitics Migration, Cities and Globalizati*, Center for International Development Cambridge.
36. Araghvani PirSalami, F.; Ismaili, M. and Behzad Aghaei, A., 2015, America and the Challenge of Power in Latin America: A Comparison of the Iran-China Approach, *Strategic Policy Research Quarterly*, Vol. 4, No. 50, PP. 95-124.
37. Arana, V., 2016, *Water and Territory Water and Territory in Latin America Trends, Challenges and Opportunities*, Springer International Publishing Switzerland.
38. Asad, S., 2012, Lati American Cultural and Social Space: Integrated in Appearance, *Zamaneh Monthly, Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought*, No. 25 and 26, PP. ۷۱-۷۰.

39. Barbara, W.; Alberto, G. and Ramon, L., 2014, *Water For Food Security And Well-Being In Latin America And The Caribbean Social and Environmental Implications for a Globalized Economy*, Routledge is an imprint of the Taylor & Francis Group by Routledge London And New York.
40. Barbero, J., 2010, *Freight Logistics in Latin America and the Caribbean: An Agenda to Improve Performance*, Inter-American Development Bank.
41. Bruckmann, M., 2010, "Alternative Visions of the Indigenous People's Movement in Latin America: Reflections on Civilization and Modernity", *Social Change*, no 4, PP. 601-608.
42. Cohen, S. B., 2009, *Geopolitics the Geography of International Relations*, Second Edition, London, Boulder, New York, Toronto.
43. Cohen, S., 2009, *The Global Geopolitical System*, Translated by: Abbas Kardan, Tehran: Contemporary Gadgets Publications.
44. Collins, J., 1998, *Military Geography; for professionals and the public*, Washington: National Defense University Press.
45. Dehshiri, M. R. and Seifi, A. R., 2012, Dowry; Opportunities and Challenges Ahead, *Quarterly Journal of World Political and Social Studies*, Vol. 2, No.2, PP. 233-256.
46. Devlin, R. and Moguillansky, G., 2011, *A copublication of the Economic Commission for Latin America and the Caribbean, and the World Bank*.
47. Elson, A., 2013, *Globalization and Development Why East Asia Surged Ahead and Latin America Fell Behind*, First published in the United States, St. Martin, New York.
48. Ezzati, E., 2007, *New Theories in Political Geography*, Tehran: Ghooms Publications.
49. Ferguson, L., 2010, Tourism Development and Regional Integration in Central America (ARI), *Strategic and international studies Elcano Newsletter*, Vol. 68, PP. 1-6.
50. Frieden, J.; Pastor, M. and Michael, T., 2000, *Modern Political Economy and Latin America Theory and Policy*, Published in The United States of America by Westview Press, A Member of the Perseus Books Group.
51. Geographical Organization of the Armed Forces, 2011, *Geography of World Countries (Brazil)*, Tehran: Publication: Green Olive.
52. Goldstein, J., 1999, *International Relations*, New York: Longman.
53. Griffiths, M.; OCallaghan, T. and Roach, S., 2002, *International Relations the Key Concepts*, Second Edition, London and New York: Routledge.
54. Guerrero, P.; Lucent, K. and Galarza, S., 2010, Trade Logistics and Regional Integration in Latin America and the Caribbean Asian, Development Bank Institute, *Adbi Working*, No. 233, PP. 1-43.
55. Hafez Nia, M. R. and Kaviani Rad, M., 2004, *New Horizons in Political Geography*, Tehran: Smat Publications.
56. Hafez Nia, M. R., 2006, *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papelli Publications.
57. Hafeznia, M. R. and Razghani, S. H., 2012, The Geopolitical Challenges of Convergence in the Islamic World, *Quarterly Journal of Humanities Research*, No. 80, PP. 139-154.
58. Hatena, B.; Andarsh, I. and Ozwaldu, S., 2012 a, *New Regionalism and the Future of Security and Development*, Translation: Alireza Tayeb, Tehran: Department of International Political Studies, Department of State.

59. Hatena, B.; Andarsh, I. and Ozwaldu, S., 2012 b, *Comparing Regionalism (Results for World Development)*, Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Office of International Political Studies, Ministry of Foreign Affairs.
60. Hatena, B.; Andarsh, I. and Ozwaldu, S., 2012 c, *New Worldism and Regionalism*, Translated by: Alireza Tayeb, Tehran: Office of International Political Studies, Department of State.
61. Hill, C.; London, D. and Pion, B., 2001, *Civil- Military Relations in Latin America New Analytical Perspectives*, The University of North Carolina Press.
62. Hosseinpour Pouyan, R., 2011, *Explaining the Pattern of Relationships in Geopolitical Areas (Case Study: Indian Subcontinent)*, PhD Thesis in Political Geography, under the guidance of Pirouz Mojtahedzadeh, Tarbiat Modares University.
63. Howard, V. and Harvey, K., 2008, *Latin America, Politics, Governance and Development*, Translated by: Alireza Ghorbanpour, Tehran: International Institute for Contemporary Studies and Research.
64. <https://www.magiran.com>.
65. Jamshidi, Mohammad Hossein and Naghdi, Farzaneh, 2017, Culture as Power in International Relations (Power of Culture versus Power of Culture), *Quarterly Journal of Global Politics*, Vol. 6, No. 1, PP. 7-41.
66. Karimipour, Y. and Kamran, H., 2001, Geographical Background External Threats Case Study: Mazandaran Sea Margins, *Journal of Geographical Research*, No. 62, PP. 179-190.
67. Karimipour, Yadollah and Azizi, Amir Hamzeh and Rabiee, Hossein and Mottaqi, Afshin (1397); Explain the components affecting the strategic link of countries ,Case study; Iran and Iraq, Applied Research in Geographical Sciences, Year 18, No. 48, pp. 21-39.
68. Keen, B. and Haynes, K., 2009, A History of Latin America Ancient America to 1910 Houghton, *Mifflin Harcourt Publishing Company Boston New York*, Vol., 8, No. 1.
69. Khosravi, M. T. and Sandgol, A., 2011, The Impact of Modern Leftism in Latin America on Political Security Relations of these Countries with the United States, *Journal of International Relations Studies*, Vol. 4, No. 15, PP. 91-118.
70. Lake, D. and Morgan, P., 2002, *Regional Regulations (Securing the New World)*, Translated by: Jalal Dehghani Firouzabadi, Tehran: Strategic Studies Publication.
71. Mohammadi, H. R. and Ghanji, M., 2006, The Geopolitical Challenges of Drugs in Southwest Asia (with Emphasis on Iran, Pakistan and Afghanistan), *International Geopolitical Quarterly*, Vol. 2, No. 1, PP. 90-121.
72. Mojtahedzadeh, P., 2002, *Political Geography and Geographical Policy*, Tehran: Smat Publication.
73. Mojtahedzadeh, P., 2012, *Geopolitical Philosophy and Function (Concepts and Theories in the Virtual Age)*, Tehran: Smat Publications.
74. Nowruzi, R., 2011, Latin America, Identity and Civilization (The Latin American Str Position in the International System), *Journal of Regional Research*, No. 8, PP. 99-131.
75. Pour Pashang, Z., 2006, *Latin America: Its Role and Its Place in the Future of the International System*, Publications of the Bureau of State and International Studies, Department of State.
76. Prescott, V., 2012, *Regional Economic Integration in Latin America and the Caribbean: A Comparative Case Study*, Dissertation, Submitted to Northcentral University Graduate Faculty of the School of Arizona.
77. Rabiei, H., 2009, *The Role of Regional Power in Resolving Territorial Conflicts Case Study: Iran in the Persian Gulf in the 1970*, Doctoral dissertation on Political Geography, under the guidance of Pirouz Mojtahedzadeh, Tarbiat Modares University.

78. Rasouli Thaniabadi, E., 2014, Analysis of the trend of regionalism in Latin America based on theories of international relations, *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, Vol. 3, No. 10, PP. 157-184.
79. Rezaei, H., 2011, Latin America; From a Distance, Nearby, *Journal of Regional Research*, Vol. 3, No. 8, PP. 7-17.
80. Salimi, H.; Dehghani Firouzabadi, S. J. and Pourasmeili, N., 2017, Modeling and Analyzing the Relationship between Regional System and Foreign Policy, *International Geopolitical Quarterly*, Vol. 13, No. 3, PP. 1-24.
81. Sanaei, M. and Ebrahimabadi, Gh., 2013, Emerging Economic Power Organization (BRICS): Objectives, Capabilities and Its Position in the International System, *Quarterly Journal of World Political and Social Studies*, Vol. 3, No. 1, PP. 1-40.
82. Shah Mohammadi, P., 2010, Latin American Geopolitics and Global Politics, *Events and Analysis*, No. 253, PP. 27-29.
83. Tafreshi Kuhani, A., 2011, The Geopolitical Importance of Latin America, *Regional Research Quarterly*, No. 8, PP. 227-254.
84. Tavares, R., 2004, The State of the Art of Regionalism: The Past, Present and Future of a Discipline, Dept. of Peace and Development Research, Gothenburg University Sweden available at: [Unpanl. Un.org/intradoc/groups/public/documents/Nispacee/UNPANO 18784](http://Unpanl.Un.org/intradoc/groups/public/documents/Nispacee/UNPANO18784).
85. Whepple, L., 2004, South American heartland: Latin American geopolitics and global strategies, *Geographical journal*, Vol. 170, No. 4, PP. 359-367.
86. Williams, M., 2007, *Power in World Politics*, Edited by Felix Berenskoetter and by Routledge Simultaneously published in the USA and Canada ,New York Millennium: Journal of International Studies.
87. Yousefi Kopai, Gh. H.; Yazdani, E. and Omid, A., 2018, Explaining the application of the soft power of the Islamic Republic of Iran in the Latin American region; trends and achievements, two *quarterly scientific-research quarterly of political science*, Vol. 14, No. 28, PP. 168-198.